

## واکاوی کنش‌های گفتاری در تبیین آموزه‌های اخلاقی و تربیتی دعای مکارم‌الاخلاق

### چکیده

دعای مکارم‌الاخلاق از جمله ادعیه اخلاقی و تربیتی منقول از امام سجاد<sup>(ع)</sup> است که علاوه بر معارف والا از ساختار زبانی منسجمی نیز برخوردار است. از آنجا که نظریه کنش‌گفتاری جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان و به مثابه حلقه رابطی است که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیت عینی است پیوند می‌دهد، لذا واکاوی کنش‌های گفتاری این دعا به عنوان متن فاخر دینی، زوایای ناپیدا و ابعاد مختلف اخلاقی و تربیتی آن را آشکارتر می‌سازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل به این نتایج دست یافت که از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه، کنش‌های گفتاری «ترغیبی»، «اظهاری»، «عاطفی» و نیز «تعهدی» با هدف مشخصی در شکل‌دهی به اسلوب دعا نقش دارند. در این میان، کنش «ترغیبی» که ساختار اصلی دعا را شکل می‌دهد در قالب درخواست‌هایی برای نیل به وضعیت مطلوب است. کنش‌های ترغیبی که در فرازهایی با کنش‌های «عاطفی» و یا «اظهاری» ترکیب می‌شوند در فرایند تربیت فردی و اجتماعی انسان، به مثابه الگویی تلقی می‌شوند که مبتنی بر کرامت بخشی به انسان است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۳  
از صفحه ۱۹ تا صفحه ۴۵

### ابراهیم ابراهیمی

عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه  
علامه طباطبایی، نویسنده مسئول  
e-ebrahimi@araku.ac.ir

### فاطمه دست رنج

استاد پار علوم قرآن و حدیث، دانشکده  
ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک  
f-dastranj@araku.ac.ir

### منصوره عرب

کارشناسی ارشد دانشگاه اراک  
arab.hm@yahoo.com

### واژگان کلیدی:

امام سجاد، دعای مکارم‌الاخلاق،  
کنش گفتاری، جان سرل.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

ادعیه از جمله متونی است که در بردارنده مضامین اخلاقی و تربیتی است. در منابع دینی شیعی، ادعیه جایگاه ویژه‌ای دارند و در کنار خطابه‌ها، نامه‌ها و... بخشی از متون رسیده از ائمه<sup>(ع)</sup> را تشکیل می‌دهند. در برخی از دوره‌ها، با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی موجود، نقش و اهمیت ادعیه پررنگ‌تر می‌شود. دوره‌ی امامت امام سجاد<sup>(ع)</sup> از جمله این دوره‌هاست. ادعیه‌ی منقول از ایشان، برخاسته از شرایط و بافت موقعیتی است که بر آن دوره حاکم بوده است. تعدادی از این دعاها تجمیع شده و در قالب صحیفه سجادیه در دسترس قرار گرفته است. دعای مکارم‌الاخلاق از دعا‌های معروف صحیفه سجادیه است که شامل مضامین اخلاقی، تربیتی و توحیدی است. با توجه به جایگاه صحیفه سجادیه در میان منابع دینی و نیز اشتهار دعای مکارم‌الاخلاق، پژوهش‌هایی پیرامون این دعا انجام شده است؛ برای مثال، مقالاتی با عناوین «الگوی تربیت اخلاقی از منظر امام سجاد<sup>(ع)</sup> بر مبنای تحلیل محتوای دعای مکارم‌الاخلاق»، «ارتباط تقوا و بسط عدل در دعای مکارم‌الاخلاق»، «تجلی فضایل قرآنی در دعای مکارم‌الاخلاق» و... نگاشته شده است. در این دسته از مقالات، یک یا چند صفت اخلاقی و یا راهکارهای تربیتی از میان دعای مکارم‌الاخلاق بحث و بررسی شده است؛ اما پژوهش حاضر درصدد است ضمن تبیین ساختار کلی دعا و معارف و مضامین آن، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نظریه‌ی کنش‌گفتاری که خود زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است، به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چه انواعی از کنش‌های گفتاری و با چه بسامدی در دعای مکارم‌الاخلاق نمود دارد؟ بازیابی کنش‌های گفتاری در این دعا چه نتایجی را در پی خواهد داشت؟

قائلان به کنش‌گفتاری معتقدند که فعل و پاره‌گفتاری که گوینده بیان می‌کند، یک کنش<sup>۱</sup> حسوب می‌شود؛ به این معنا که انسان در قالب سخن گفتن که نوعی رفتار قاعده‌مند به‌شمار می‌آید، افعال بسیاری را انجام می‌دهد. آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰ م)<sup>۲</sup> از جمله پیشگامان این نظریه است که پس از او، افرادی نظیر جان سرل<sup>۳</sup> به تشریح این نظریه و پروراندن آن روی آوردند. سرل با نظرات خود تغییراتی در این حوزه به وجود آورد و دستیابی به فعل مضمون در سخن<sup>۴</sup> را هدف اصلی این نظریه بیان کرد. آنچه دستیابی به این هدف را هموار می‌سازد، توجه به بافت است. «درواقع، کنش‌گفتار جنبه‌ی مهمی از کاربردشناسی زبان است که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن، به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی متن نسبت می‌دهند» (آقا گل‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵).

بنابراین، مقاله‌ی حاضر با رویکرد میان‌رشته‌ای، مباحث حوزه‌ی زبان‌شناسی را در مطالعه‌ی متن

1- act

2- John Langshaw Austin

3- John Searl

4- Illocutionary act

صحیفه سجادیه به خدمت می‌گیرد؛ زیرا نگاه به متون دینی به‌عنوان کنش، این امکان را فراهم می‌آورد که ماهیت دینی این متون به شکل نظام‌مندتری تفسیر شود (Botha, 1991, p300).

## ۲. روش پژوهش

نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با پرداختن به دعای مکارم‌الاخلاق که دربرگیرنده مضامین اخلاقی و تربیتی است، قصد دارد با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریه‌ی کنش‌گفتاری جان سرل، دعای یادشده را بررسی کند و انواع کنش‌های گفتاری پنج‌گانه یعنی کنش‌گفتاری اظهاری، اعلامی، ترغیبی، عاطفی و تعهدی را مشخص و در گام بعد، با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده که برآمده از بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی دعا است، اسلوب دعا را با توجه به کنش‌های گفتاری تعیین نماید.

## ۳. مروری بر نظریه‌ی «کنش‌گفتاری»

آستین مباحث اولیه‌ی کنش‌گفتاری را در کتاب چگونه کلمات کار انجام می‌دهند<sup>۱</sup> آورده است. کنش‌گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه‌ی یک سخن عمدی رخ می‌دهد؛ بنابراین، بیشتر به بررسی اشکال و قاعده‌های کنش غیر بیانی می‌پردازد (Searle, 1969, p68)؛ ازاین‌رو، «گفتن» با «کنش» برابر است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها، کاری انجام می‌دهد؛ بنابراین، الگویی که نظریه‌ی کنش‌گفتاری از زبان ارائه می‌کند، نگرشی در باب کاربرد و معنای زبان است که در بافت ارائه می‌کند و رفتار زبانی را در دل شرایط اجتماعی و نهاده‌ای قرار می‌دهد که از آنها سر برآورده است (مکاریک، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

در کنار آستین، فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری نظیر جان سرل، شیفر<sup>۲</sup>، فریزر<sup>۳</sup>، هانچر<sup>۴</sup>، باخ<sup>۵</sup> و هارنیش<sup>۶</sup> به بررسی ماهیت کنش‌های گفتاری و طبقه‌بندی آنها پرداختند که در این میان، آرای سرل درباره‌ی مقوله‌بندی کنش‌های گفتاری اهمیت بسزایی دارد. او تحت تأثیر دسته‌بندی آستین، پاره‌گفتارها را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد. طبقه‌بندی سرل و نظرات او مبنای پژوهش حاضر است.

## ۳. واکاوی کنش‌های گفتاری در نظریه‌ی جان سرل

نظریه‌ی کنش‌گفتاری به‌مثابه حلقه‌ی رابطی است که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیت و مشاهدات عینی پیوند می‌دهد که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است (پایا، ۱۳۸۳، ص ۱۶). سرل معتقد است

1- How to Do Things with Words

2- Schiffer.S

3- Fraser.B

4- Hancher.M

5- Bach.K

6- Harnish. R.M

که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آنها نیز نقش دارد؛ بدین معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد (حسینی و حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص ۴۳). نظریه‌ی کنش‌گفتار به جای پرداختن به جمله‌ها یا واحدهای نحوی به پاره‌گفتار<sup>۱</sup> می‌پردازد (Crystal, 2003). یک پاره‌گفتار می‌تواند یک واژه، یک جمله یا یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد؛ اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه‌ی طولانی، یکسان است؛ بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (Botha, 1991, p295).

آنچه در نظریه‌ی کنش‌گفتاری مهم است تجزیه‌وتحلیل «فعل مضمون در سخن»<sup>۲</sup> است که در حقیقت، تعیین‌کننده‌ی معنا است و با تحقق این فعل، ارتباط زبانی حاصل می‌شود. بدین ترتیب، تحلیل فعل مضمون در سخن، در حقیقت تحلیل معنا است که برخاسته از قصد گوینده و قراردادهای قواعد زبانی‌ای است که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند (سرل، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۶۶). از سوی دیگر، توجه به بافت یکی از گزاره‌های تأثیرگذار برای دستیابی به فعل مضمون در سخن است. «بافت موقعیتی می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود، معنای ضمنی بیابد و این معنی در آن بافت قابل‌درک گردد» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱).

سرل با در نظر گرفتن معیارهایی مانند حالت روان‌شناختی، نحوه‌ی انطباق گفتار با جهان خارج و محتوای گزاره‌ای، کنش‌های گفتاری را به کنش‌های اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم می‌کند (Searl, 1975, pp 344- 369) که به شرح ذیل است:

یک. کنش‌های اظهاری<sup>۳</sup>: آن دسته از کنش‌های گفتاری است که نشان‌دهنده‌ی باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌اند که گوینده از طریق آنها، دنیا را آن‌چنان‌که هست یا آن‌چنان‌که باور دارد، نشان می‌دهد.

دو. کنش‌های ترغیبی<sup>۴</sup>: به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که گوینده با به‌کارگیری آنها، دیگری را به انجام کاری وامی‌دارد و بنابراین، بیانگر خواسته‌های گوینده است. این‌گونه کنش‌ها شامل فرمان‌ها، دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادها هستند و می‌توانند به‌صورت مثبت/ایجابی و یا منفی/سلبی باشند.

سه. کنش‌های عاطفی<sup>۵</sup>: نوعی کنش‌گفتاری است که احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است.

- 1- Utterance
- 2- Illocutionary act
- 3- Representatives act
- 4- Directives act
- 5- Expressives act

چهار. کنش تعهدی<sup>۱</sup>: آن دسته از کنش‌های گفتاری‌اند که در آنها، گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند و بنابراین، بیانگر قصد گوینده است. این کنش‌ها دربرگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سربازدن‌ها و تعهدها هستند.

پنج. کنش اعلامی<sup>۲</sup>: به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که بیان آنها، به تغییر اوضاع دنیای خارج بینجامد. برای انجام درست فرمان اعلام، افزون بر نیاز به بافت خاص، گوینده نیز باید نقش نهادی اجتماعی خاصی داشته باشد (یول، ۱۳۸۷، ص ۷۳-۷۶).

گفتنی است در تشخیص کاربرد کنش‌های گفتاری، توجه به بافت مؤثر است؛ زیرا دو نوع کنش مستقیم و غیرمستقیم پدید می‌آورد، به این صورت که هرگاه میان ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم و هرگاه این ارتباط میان ساختار و کارکرد غیرمستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیرمستقیم می‌نامند (چپمن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۷).

نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل، نسبت به دیگر نظریه‌ها، به بافت و عناصر آن اهتمام بیشتری می‌ورزد (کوک، ۱۳۸۸، ۵۷). در نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل، فعل، مضمون در سخن و یا همان معنای ضمنی است. دستیابی به این معنا از طریق بافت امکان‌پذیر است. به عقیده‌ی برخی، این نگاه به خوانش متون مقدس کمک کرده است، چنان‌که بیان می‌دارند که «در دوره‌هایی، مطالعه‌ی متون مقدس که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر رویکردهایی چون نقد ادبی نوین یا ساخت‌گرایی فرانسوی بودند، همانند آنها حقایق فرازبانی حاکم بر متن را نادیده گرفتند؛ اما نظریه‌ی کنش گفتار می‌تواند این اشکال را رفع کند» (Buss, 1988, p126).

یکی از مسائل برون‌بافتی و توجه به بافت موقعیت، ویژگی‌های گوینده‌ی گفتمان است. در خوانش متن مقدسی مانند قرآن باید در نظر داشت که از نظر مسلمانان، کسی که این کنش‌های گفتاری را ایجاد می‌کند، با بشر عادی متفاوت است؛ برای مثال، در کنش اعلامی هنگامی که گوینده خداست، اعتبار حکم جاری شده، خارج از گوینده نیست. «درواقع، اعتبار حکم از سرچشمه‌ی کلام ناشی می‌شود و صدور و تحقق اعتبار آن مشروط به هیچ شرط خارجی نیست و نقض آن‌هم تنها به‌وسیله‌ی خود گوینده، یعنی خداوند میسر است» (حسینی و رادمرد، ۱۳۹۴، ص ۷۵). این تفاوت در تفسیر کنش اعلامی، باید در تفسیر متون دینی مدنظر قرار گیرد؛ همچنین باید در نظر داشت که صحبت کردن از احساس تنفر یا محبت در کنش‌های عاطفی که از سوی خداوند بیان می‌شود، با آنچه در انسان‌ها سراغ داریم، متفاوت است؛ زیرا بر اساس باورهای کلامی، ذات اقدس الهی، این عوارض و احساسات را ندارد.

1- Commissive act

2- Declarations act

#### ۴. فضای کلی و بافت دعای مکارم‌الاخلاق

دعای مکارم‌الاخلاق یکی از ادعیه‌ی منقول در صحیفه سجادیه است. صحیفه سجادیه مجموعه‌ای از دعاها و نیایش‌های امام سجاد<sup>(ع)</sup> است که مشتمل بر پنجاه و چهار دعا و متعلق به قرن اول هجری قمری است. دعای مکارم‌الاخلاق بیستمین دعا از این مجموعه است. صحیفه سجادیه با چندین سند، به واسطه‌ی راویانی ثقه به امام سجاد<sup>(ع)</sup> می‌رسد. نسخه‌ای از این مجموعه نزد زیدبن علی، فرزند امام سجاد<sup>(ع)</sup> بوده که از طریق فرزندانش به فرزندان حسن مثنی‌ی منتقل شد و نسخه‌ی دیگری نیز نزد امام باقر<sup>(ع)</sup> بوده است (منذر، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۸۴). شیخ آقابزرگ تهرانی درباره‌ی صحت اسناد صحیفه سجادیه می‌گوید: «صحیفه اولی که سند آن به امام زین‌العابدین<sup>(ع)</sup> می‌رسد، از متواترات نزد اصحاب است؛ چراکه از ویژگی آن، این است که تمام اصحاب از مشایخ خود، اجازه‌ی نقل آن را در تمام طبقات رجالی و در تمام عصرها گرفته‌اند» (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۹).

ادعیه‌ی صحیفه سجادیه در دورانی با شرایط و ویژگی‌های خاص صادر شده است. جامعه‌ای که امام سجاد<sup>(ع)</sup> با آن روبه‌رو بودند، فضایی متأثر از حوادث پس از عاشورا و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup>، وقایع حرّه، سرکوب کردن حرکات آزادی‌خواهانه و مسائل این‌چنینی بوده است. این امور، فضایی آکنده از اختناق و رعب را به وجود آورده بود. از سوی دیگر، مردم در سرتاسر دنیای اسلام دچار انحطاط فکری شده بودند که این امر ناشی از بی‌عنایتی به تعلیمات دین در سال‌های گذشته بوده است. تعلیم دین و ایمان و بیان حقایق در دوران بیست‌ساله‌ی پس از سال چهل‌م هجری مهجور شده بود و مردم از لحاظ اعتقاد و مایه‌های ایمانی، به شدت تهی گشته بودند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵-۲۱۵). در چنین فضایی، امام سجاد<sup>(ع)</sup> در راه احیای دین و اجرای سیره‌ی مبارزاتی متناسب با زمان، بیاناتی را ایراد کردند که بخش مهمی از آن در قالب دعا و مناجات بروز کرد. دعای مکارم‌الاخلاق یکی از این دعاهاست که شامل مضامین توحیدی، اخلاقی و تربیتی است که در اسلوب دعا بیان شده است.

#### ۵. بازیابی کنش‌های گفتاری در دعای مکارم‌الاخلاق

با توجه به آنکه شرح کامل کنش‌های گفتاری دعای مکارم اخلاق در این مجال نمی‌گنجد، برای ارائه‌ی نتایج به‌دست‌آمده از بررسی دعا، به فزاینده‌ی آن اشاره شده است که مقصود ما را روشن می‌سازد و تلاش می‌کنیم تا کلیتی از نمود انواع کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در این دعا را نشان دهیم.

دعای مکارم‌الاخلاق با پاره‌گفتار «اللهم» آغاز می‌شود. «اللهم» تعبیر دیگری از لفظ جلاله‌ی «الله» است که میم‌مشدّد به جای «یا» ندا و «تمنی» با الف و لام جنس آمده است. در این پاره‌گفتار، هم کنش ترغیبی خطاب کردن و هم کنش عاطفی تمنی و بیان آرزو به‌کار رفته است. در مجموع، این پاره‌گفتار ۳۰ مرتبه در متن حاضر تکرار شده است. با توجه به اسلوب دعایی متن، این پاره‌گفتار در قالب کنش ترغیبی، کسی را مشخص می‌کند که کنش‌های گفتاری در نسبت با او انجام می‌شود که همان «الله» است. از سوی دیگر، با توجه به بافت متن و اسلوب آن، با کاربرد واژه‌ی «اللهم» کنش عاطفی نیز نمود می‌یابد تا فضا را برای درخواست‌های بعدی آماده کند.

اهمیت پاره‌گفتار «اللهم» برای شروع درخواست در قرآن نیز دیده می‌شود. در آیه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی مائده، «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأُولَانَا وَآخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»، اضافه شدن «اللهم» به «ربنا»، از دقت مورد و هول مطلع نشان دارد. سایر ادعیه‌ی انبیای در قرآن، با ندای «رب» یا «ربنا» آغاز می‌شود و اینجا افتتاح دعا با «اللهم ربنا» است. این ویژگی در سایر دعاها و تقاضاهایی که در قرآن از انبیا حکایت شده است، دیده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۳۵).

اولین درخواست، درود بر حضرت محمد<sup>(ص)</sup> و خاندان ایشان است: «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ». در این پاره‌گفتار، با کاربرد فعل امر «صَلِّ» کنش ترغیبی امری صورت می‌گیرد؛ زیرا گوینده‌ی کنش قصد دارد تا مخاطب را به انجام کنشی ترغیب کند که همان صلوات فرستادن بر حضرت محمد<sup>(ص)</sup> و خاندان ایشان است؛ اما با توجه به بافت متن و نیز نسبت گوینده‌ی کنش و مخاطب فعل امر که «الله» است، فعل مضمون در سخن در اینجا، کنش ترغیبی از نوع درخواست است. «جمله‌های امام سجاد<sup>(ع)</sup> با توجه به اسلوب دعا، بیشتر به صورت انشایی است؛ زیرا این‌گونه جمله‌ها حالات تضرع، التماس و نیاز شدید انسان را به خدا بیان می‌کند، هرچند که جمله‌های خبری هم، خبری محض نیست» (کنجعلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۸۹). جمله‌های انشایی در دعای مکارم‌الاخلاق شامل ۱۴۳ جمله می‌شود و بیشترین تعداد آن، مربوط به فعل‌های امر با ۹۹ نمونه می‌شود. ۳۱ اسلوب ندا و ۱۳ فعل نهی نیز از جمله‌های انشایی به‌شمار می‌آیند.

«روی سخن امام سجاد<sup>(ع)</sup> در افعال امر و نهی، خطاب به خداوند است؛ پس طبیعی است که معنای آن متناسب با مقتضای حال تغییر یابد و معنای دعایی به خود بگیرد» (تفتازانی، ۱۳۸۳)، بنابراین، با توجه به باورهای اعتقادی و کلامی مسلمانان، انسان به‌عنوان عبد نمی‌تواند به پروردگار و ربّ خویش فرمان بدهد و امر کند؛ ازاین‌رو، در این پاره‌گفتار فعل مضمون در سخن، همان بیان درخواست و تقاضا است. این قاعده را به همه‌ی کنش‌های ترغیبی امر و نهی تعمیم می‌دهیم که در متن آمده است و همین موضوع را افاده می‌کند.

پاره‌گفتار «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» به‌طورکلی ۱۹ بار در این دعا تکرار شده است که در دو مورد از این ۱۹ مورد، به جای ضمیر «ه»، مرجع ضمیر یعنی «محمد» آمده است. درواقع، با بیان «عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»، با کنش‌های تقیید به کنش ترغیبی «صَلِّ» قید زده می‌شود و این صلوات، بر محمد<sup>(ص)</sup> و خاندان ایشان صورت می‌پذیرد. این سلام دادن و درود، کنش عاطفی را نیز شامل می‌شود.

تکرار پاره‌گفتار «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» که به‌نوعی ترجیح‌بند متن حاضر است، ترکیبی از کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی است که از دو جهت قابل‌بحث است. یک جهت تکرار این کنش گفتاری با توجه به بافت موقعیت مشخص می‌شود که همان دوری مردم از اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> است؛ ازاین‌رو این پاره‌گفتار، تذکری برای یادآوری پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل‌بیت ایشان است که نمونه‌های تربیت‌یافته‌ی کاملی هستند. جهت دیگر کاربرد این پاره‌گفتار این است که زمینه‌ی مناسب را برای درخواست‌های بعدی فراهم می‌کند. در منابع شیعی و سنی، برای ذکر صلوات پاداش و ثواب گسترده‌ای بیان شده است. در بیان اهمیت و جایگاه صلوات در استجاب دعا، امام علی<sup>(ع)</sup> بیان می‌فرماید: «إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ

سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ ص ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِي إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعِ الْأُخْرَى» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۸). دعای مکارم الاخلاق با صلوات آغاز می‌شود و به صلوات خاتمه می‌یابد و در فرازهای مختلف تکرار می‌گردد؛ پس بخشی از اسلوب دعایی متن حاضر در کاربرد پاره‌گفتار صلوات بروز می‌یابد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌کنید، حال که زمینه‌ی درخواست فراهم شد، در ادامه‌ی فراز اول با سه کنش ترغیبی دیگر مواجه می‌شویم (بَلِّغْ، اجْعَلْ، اَنْتَه) که درخواست کامل‌ترین ایمان، افضل‌ترین یقین و حسن نیت و حسن عمل را در پی دارد.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره‌گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید)	وَ بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید)	وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید)	وَ أَنْتَه بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ وَ بِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ

جدول شماره ۱. کاربرد کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در پاره‌گفتارهای فراز ابتدایی دعای مکارم الاخلاق.

مضمون کلی گفتار در متن حاضر، همان کنش ترغیبی است که در قالب امر و نهی، به‌طور غیرمستقیم به درخواست و تقاضا اشاره دارد. حال، این کنش‌های ترغیبی در فرازهایی با کنش‌های عاطفی و یا اظهاری ترکیب می‌شود و زمینه‌ی مناسب‌تری را برای بیان درخواست و ترسیم فضای مطلوب فراهم می‌آورد.

#### ۵-۱- کنش ترغیبی امر و نهی

بیشترین حجم کنش‌های گفتاری در این متن، کنش‌های گفتاری ترغیبی از نوع امر و نهی هستند. «گوینده در کنش ترغیبی سعی در انطباق جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب دارد» (Martinez, 2005, p168) همان‌طور که گفته شد، با توجه به بافت موقعیت، امر و نهی‌های صورت‌گرفته در لایه‌ی غیرمستقیم، همان کنش ترغیبی درخواست است که در سراسر متن حاضر مشاهده می‌شود.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمثی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِمَامُ بِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَا عَنْهُ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اسْتَفْرِعْ أَيَّامِي فِيْمَا خَلَقْتَنِي لَهُ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اغْنِنِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	وَ لَا تَقْتِنِي بِالظَّنِّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اعِزَّنِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبْرِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ عَبِّدْنِي لَكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اجْر لِلنَّاسِ عَلَيَّ بِدَى الْخَيْرِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنْ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمثی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ مَتَّعْنِي بِهِدَى صَالِحٍ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	لَا أُسْتَبَدُّ بِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ طَرِيقَةَ حَقِّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	لَا أَزِيغُ عَنْهَا
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ نَبِيَّ رُشِدٍ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (نهی)	لَا أَشُكُّ فِيهَا

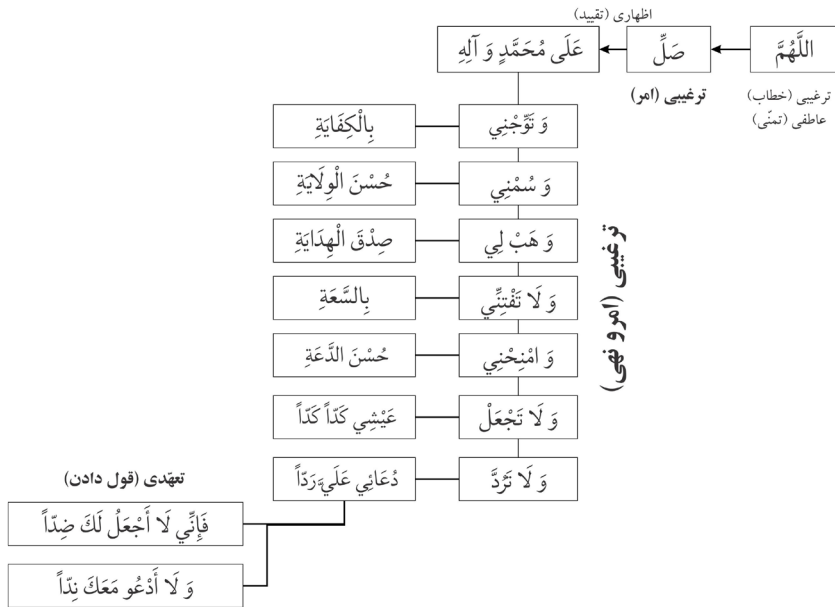
بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تحدید)	وَ عَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ
—	اظهاری (تحدید) اظهاری (تشبیه)	فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ
—	اظهاری (تحدید) اظهاری (تنويع)	قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ عَضْبَكَ عَلَيَّ

جدول شماره ۲. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی امر و نهی در بعضی از پاره گفتارهای دعای مکارم الاخلاق.

دعا ترسیم وضع موجود و درخواست برای رسیدن به وضع مطلوب است. بخشی از این چشم انداز در پاره گفتار «وَ مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ» دیده می شود که در قالب کنش ترغیبی درخواست هدایت صالح مطرح می شود و هدایت همان «إِراءة الشيء الطريق الموصل إلى مطلوبه أو إيصاله إلى مطلوبه» است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۶۶). ویژگی این هدایت به گونه ای است که به چیزی دیگری تبدیل نشود: «لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ». مشابه این درخواست در آیه ۸ سوره آل عمران شود: «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا.» درخواست چنین هدایتی را «قلب انسان مؤمنی درک می کند که قیمت و ارزش هدایت بعد از اضلال را بداند» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۷۰)؛ از این رو، کنش ترغیبی یاد شده با پاره گفتار بعدی دوباره مؤکد می گردد: «وَ طَرِيقَةَ حَقِّ لَا أَزِيعُ عَنْهَا.» تأکید بعدی که بر این درخواست ها صحه می گذارد، درخواست نیت استوار است؛ زیرا «الْتِيَةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ» (همیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۶). در این فراز، این کنش های ترغیبی، فضای مطلوب و دورهای کلی مدنظر دعاکننده را ترسیم می کنند.

پاره گفتار «وَ عَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ»، با یک کنش ترغیبی امری آغاز می شود؛ سپس به این درخواست، با کنش اظهاری، یک حد زده می شود. گوینده درخواست می کند که تا هنگامی که زنده باشد عمرش در طاعت خداوند به کار رود و زمانی که عمرش چراگاه شیطان شود، جان ایشان را بستاند. این قبض جان یا پیش از سبقت گرفتن خشم و دشمنی خداوند باشد و یا پیش از آن باشد که غضب خداوند درباره ی او استوار گردد: «فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ عَضْبُكَ عَلَيَّ.»

تقاضاها و درخواست در متن حاضر، در قالب کنش ترغیبی امر و نهی بیان می شوند. در بعضی از فرازها هر دوی این کنش های گفتاری مشاهده می شود. مجموع این کنش های گفتاری، وضعیت مطلوبی را در اسلوب دعا ترسیم می کنند؛ از اموری که باید تحقق یابند و اموری که نباید محقق شوند.



نمودار شماره ۱. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی امر و نهی در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در انتهای این فراز، پس از کنش‌های ترغیبی در دو پاره‌گفتار انتهایی، «فِيَّيْ لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا وَ لَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا»، کنش تعهدی به کار رفته است. در این دو پاره‌گفتار، گوینده پس از درخواست‌های مطرح‌شده متعهد می‌شود که ضدی و همانندی برای خداوند قرار ندهد. «کنش تعهدی، کنشی گفتاری است که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند. در این نوع از کنش گفتار، جهان خارج از طریق خود گوینده با وضعیت مطلوب منطبق می‌شود» (Huang, 2006, p709).

در فراز دیگری نیز، پس از درخواست‌هایی که در قالب کنش ترغیبی بیان می‌شود، در قالب کنش اظهاری علت این درخواست‌ها هم بیان می‌گردد. گوینده از خداوند می‌خواهد که سختی و دشواری کسب‌وکار را از دوش او بردارد و نیز روزی او را از جایی که گمان نمی‌برد، عنایت فرماید تا در راه به دست آوردن روزی، از بندگی خداوند بازماند و سنگینی ناهنجاری کسب را به دوش نکشد.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره‌گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ أَكْفِنِي مَوْتَةَ الْاِكْتِسَابِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابِ
—	اظهاری (تعلیل)	فَلَا اُسْتَعْلَجُ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ
—	اظهاری (تعلیل)	وَ لَا اَحْتَمِلُ اِضْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ

جدول شماره ۳. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی امر در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم الاخلاق.

در این فراز، رزقی درخواست می‌شود که سختی اکتساب را نداشته باشد. روزی بر دو گونه است: «أَنَّ الرُّزْقَ رِزْقَانِ فَرِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۸۲). این فراز از دعا به روزی نوع دوم اشاره دارد تا درخواست‌کننده، بیشتر همت خویش را مصروف عبادت سازد و طلب روزی او را از اشتغال به عبادت محروم نگرداند. درواقع، با کنش اظهاری علت کنش ترغیبی را بیان می‌کند.

فراز انتهایی دعا نیز با کنش ترغیبی امری پایان می‌پذیرد. در این فراز نیز، امام سجاد<sup>(ع)</sup> از خداوند تقاضای صلوات می‌کند و این تقاضای خود را با کنش اظهاری، مؤکد می‌نماید: «كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَ أَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ»؛ سپس برای همگان، نیکی دنیا و آخرت را طلب می‌کند و خواستار دوری از آتش جهنم می‌شود. البته با کاربرد واژه‌ی «بِرَحْمَتِكَ»، کنش عاطفی تمجید را ضمیمه‌ی درخواست خود می‌نماید.

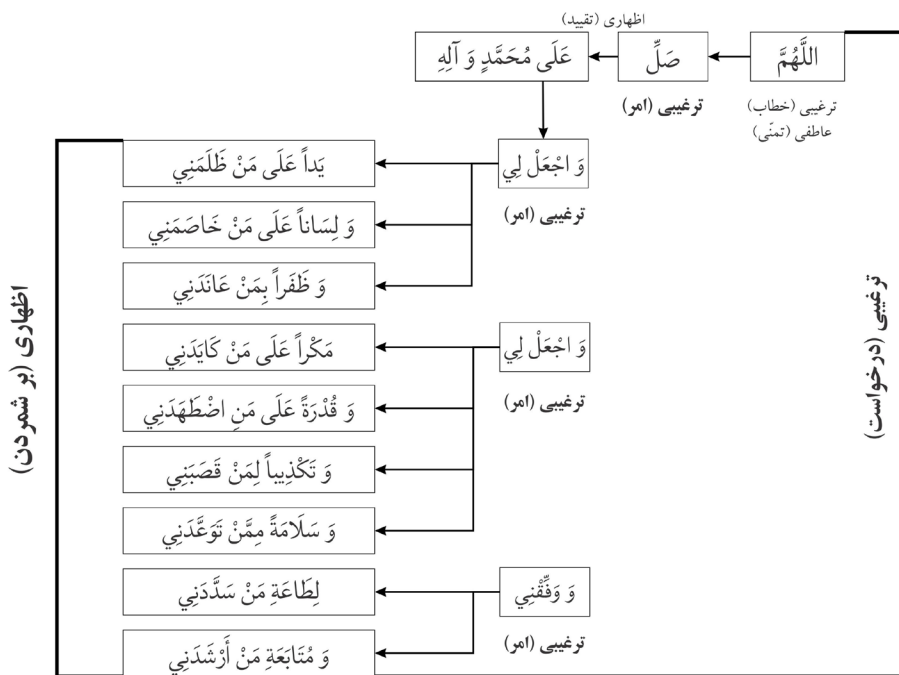
بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
	اظهاری (تأکید)	كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَ أَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید)	وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ قِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

جدول شماره ۴. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی امر در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم الاخلاق.

## ۵-۲- کنش ترغیبی و کنش اظهاری

کنش اظهاری کنش دیگری است که در متن حاضر مشاهده می‌شود. «به‌طورکلی اظهارات، ادعاهای نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکيدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده در آن، جهان خارج را

آن‌گونه که باور دارد، به تصویر می‌کشد، کنش اظهاری دارد» (Yule, 1996, p53). در بخش‌هایی از دعا نیز همراه با کنش ترغیبی، درخواست‌های متعددی برشمرده می‌شود. در واقع، در قالب کنش اظهاری، درخواست مطرح‌شده در موارد متعددی بیان می‌شود.



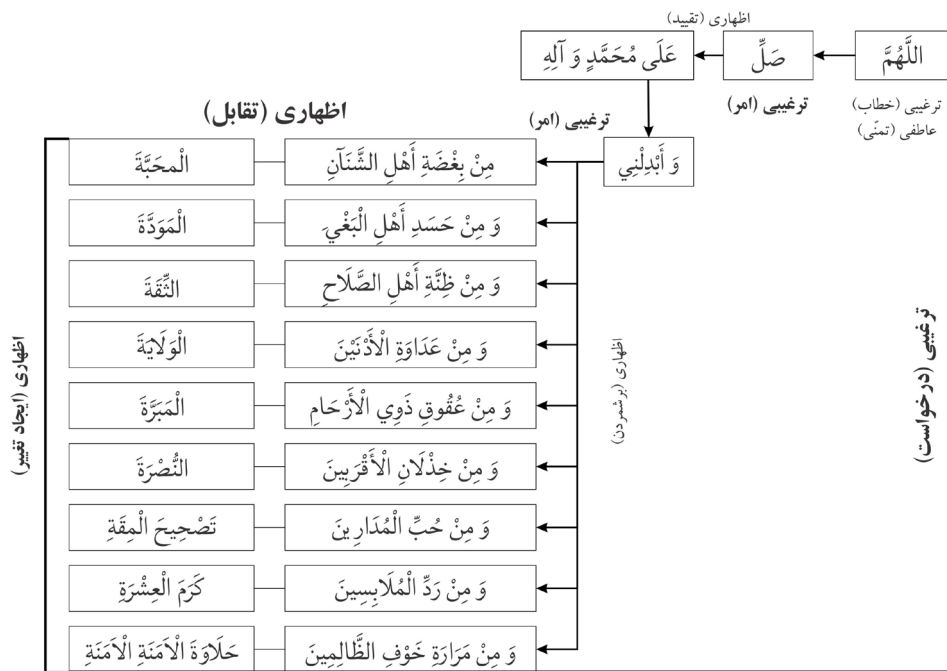
نمودار شماره ۲. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی و اظهاری در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در این فراز، کاربرد دو فعل امر «اجْعَلْ» و «وَفَّقْنِي» زمینه‌ای برای برشمردن درخواست‌های نه‌گانه فراهم می‌سازد.

کاربرد این کنش گفتاری را در فراز دهم دعا نیز می‌توان مشاهده کرد. امام<sup>(ع)</sup> از خداوند درخواست می‌کند که ایشان را به زینت صالحان بیاراید و لباس متقیان را بر تن ایشان کند؛ سپس امام<sup>(ع)</sup> شروع به برشمردن حالات و موقعیت‌هایی می‌کند که در آن نیاز است تا به زیور صالحان و متقیان آراسته شود.



امری بیان می‌شود که «وَأَكْمِلْ ذَلِكَ لِي» که نشان از کنش اظهاری تأکید دارد. بخش دیگری از این فضا سازی، در ترکیب کنش ترغیبی و کنش اظهاری تقابل حاصل می‌شود. درخواست گوینده شامل ترسیم دو وضعیت متقابل است. عموماً وضعیت اول بیان‌کننده‌ی رذایل اخلاقی است و در وضعیت دوم که وضعیت مطلوب است، برخی از فضائل اخلاقی مطرح می‌شود؛ برای مثال، در فراز هفتم از این دعا، حضرت تقاضا دارد که اموری را برای ایشان تبدیل به امور دیگری نکند.

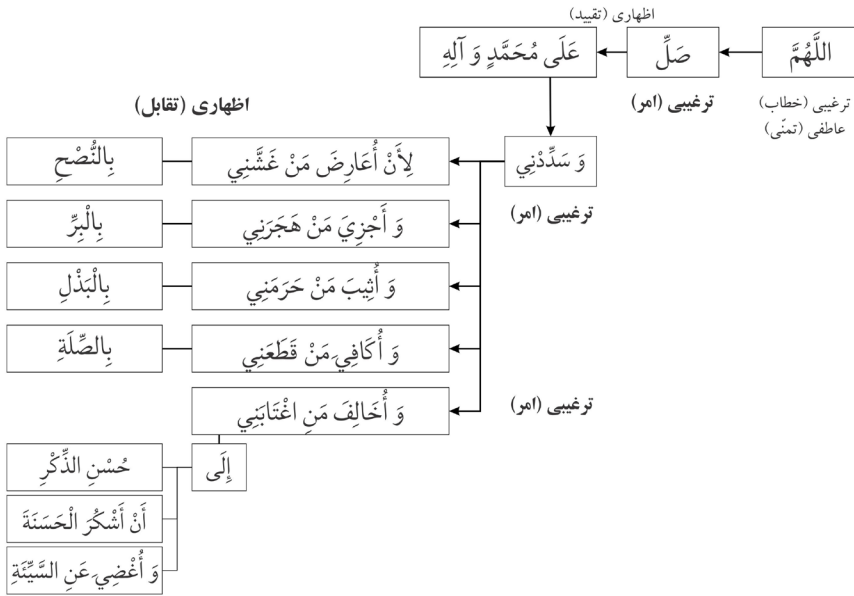


#### نمودار شماره‌ی ۴. کاربرد کنش گفتاری اظهاری تقابل در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در این فراز از دعا، امام<sup>(ع)</sup> از خداوند تقاضا می‌کند که بغض و کینه‌ی دشمنان را به محبت، حسد متجاوزان را به موَدّت و... تبدیل نماید. در این فراز، وضع مطلوب ترسیم‌شده در تقابل با وضع نامطلوب پیشینی است.

البته در فراز دیگری، درخواست موقعیت مطلوب، پیش از آن است که موقعیت نامطلوب به وجود بیاید: «فَأْمُنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ وَ قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ وَ قَبْلَ الصَّلَالِ بِالرَّشَادِ وَ الْكُفْنِي مَوْوَنَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ.» تقابل میان «بَلَاءِ» و «عَافِيَةِ»، «طَلَبِ» و «جِدَّةِ»، «صَلَالِ» و «رَشَادِ» در این پاره‌گفتارها دیده می‌شود. ترسیم این دو وضعیت متقابل با کاربرد واژه‌ی «قَبْلَ» می‌سور می‌گردد که ظرف زمانی است.

تقابل دیگری که در بخشی از دعا دیده می‌شود، در جایی است که امام سجاد<sup>(ع)</sup> از خداوند درخواست می‌کند که ایشان را در اموری پایدار و استوار سازد. در این پاره‌گفتارها، میان دو گونه رفتار تقابل صورت می‌گیرد: نصیحت و خیرخواهی در معارضه با کسی که به او خیانت کرده، بر نیکی به کسی که او را ترک نموده، بذل و بخشش به کسی که او را از عطایش محروم کرده و...



#### مودار شماره ۵. کاربرد کنش گفتاری ترغیبی و اظهاری در برخی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم الاخلاق.

این کنش اظهاری که تقابل میان دو نوع رفتار را نشان می‌دهد، نوعی عمل به کنش ترغیبی امری است که در آیه ۹۶ سوره مؤمنون آمده است: «ادْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ». در این پاره‌گفتارها، سیئات در مقابل حسنات قرار گرفته‌اند و برای رسیدن به حسنات یاد شده، درخواست پایداری و استواری شده است.

کنش اظهاری دیگری که در دعا مشاهده می‌شود، برای بیان عقیده است. حضرت در فراز دیگری در دعا، از خداوند درخواست می‌کند که آنچه نفسش را رهایی می‌دهد، از او دور گرداند و آنچه سبب اصلاح نفس است، در ایشان باقی بگذارد. پس از این تقاضا، در قالب کنش اظهاری بیان می‌کند که نفس انسان در معرض هلاکت است، مگر اینکه خداوند آن را حفظ کند. در ادامه نیز، در چندین پاره‌گفتار این بیان عقیده مشاهده می‌شود.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب)- عاطفی (تمثلی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ أبقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصَلِّحُهَا
ترغیبی (درخواست)	اظهاری (بیان عقیده)	فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصَمُهَا
—	ترغیبی (خطاب)- عاطفی (تمثلی)	اللَّهُمَّ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	وَ أَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرْمْتُ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	وَ بِكَ اسْتِعَانَّتِي إِنْ كُرِهْتُ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	وَ لِمَا فَسَدَ صَلَاحُ
عاطفی (بیان وابستگی)	اظهاری (بیان عقیده)	وَ فِيهَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ

جدول شماره ۵. کاربرد کنش گفتاری اظهاری (بیان عقیده) در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در شش پاره‌گفتار انتهایی، کنش گفتاری مستقیم اظهاری است که در آن گوینده عقیده خود را درباره‌ی مخاطب بیان می‌کند که همان الله است. درعین حال، این پاره‌گفتارها به‌طور غیرمستقیم، کنش عاطفی را نشان می‌دهند. گوینده با بیان عقاید خود، وابستگی خود به مخاطب کنش‌ها را نشان می‌دهد و احساس خود را بیان می‌کند؛ زیرا خداوند همان «کهف حریز» و «مانع عزیزی» است که باید به آن پناه برد: «وَ أَلجئُ نَفْسَكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلجئُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيزٍ وَ مَانِعِ عَزِيزٍ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۶۹).

این وابستگی را می‌توان در فراز چهاردهم دعا نیز مشاهده کرد، آنجا که گوینده موقعیت‌هایی را از خود سلب می‌کند، به این امید که خداوند توان سامان دادن به آنها را دارد؛ برای مثال، امام سجاد<sup>(ع)</sup> خطاب به خداوند می‌فرماید: بر من ستم نشود، درحالی‌که تو به دفعش از من توانایی و یا گمراه نشوم، درحالی‌که تو بر هدایت من نیرومندی و ...



#### نمودار شماره ۶. کاربرد کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در این پاره‌گفتارها، عقیده‌ی گوینده با کاربرد «نون تأکید» در انتهای افعال مؤکد می‌شود. کنش گفتاری مستقیم در این پاره‌گفتارها، کنش اظهاری است که گوینده عقیده‌ی خود را درباره‌ی موضوعاتی اعلام می‌کند؛ اما از آن‌سو در لایه‌ی غیرمستقیم، گوینده وابستگی خود را به خداوند نشان می‌دهد که یک کنش عاطفی است. این امر در دو پاره‌گفتار «وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي» و «وَلَا أَضِلَّنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي»، با کاربرد ضمیر بارز «انت» و در دو پاره‌گفتار انتهایی «وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسْعِي» و «وَلَا أَطْعَيْنَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي»، با واژه‌ی «عندک» مشهودتر است و تأکید بیشتری را می‌رساند.

در میانه‌ی دعا و در فراز پانزدهم، کنش اظهاری دیگری در دعا به کار رفته است. در این فراز، گوینده به شرح‌حال خویش می‌پردازد و حال خود را تشریح می‌کند.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره‌گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	توغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
—	اظهاری (شرح‌حال) عاطفی (تمجید)	إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ

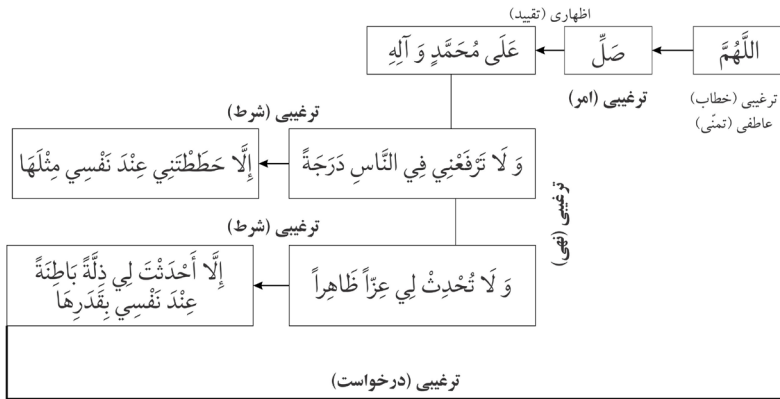
بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ إِلَىٰ عَفْوِكَ قَصَدْتُ
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ إِلَىٰ تَجَاوُزِكَ اِسْتَقْتُّ
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ
—	اظهاری (شرح حال) عاطفی (تمجید)	وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَىٰ نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ تَقْضَلْ عَلَيَّ

جدول شماره‌ی ۶. کاربرد کنش گفتاری اظهاری و عاطفی در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در ضمن کنش اظهاری در پاره‌گفتارها، با به کار بردن واژه‌های «مغفرت، عفو و تجاوز»، کنش عاطفی نیز بر کنش‌های گفتاری حمل می‌شود تا موقعیت نیاز را به‌درستی ترسیم کند. در این پاره‌گفتار برخلاف سایر پاره‌گفتارها، صلوات در انتهای فراز آمده و این فراز با دو کنش ترغیبی امری پایان می‌یابد که همان بیان درخواست است.

### ۳-۵- کنش ترغیبی امر و نهی همراه با کنش ترغیبی شرط

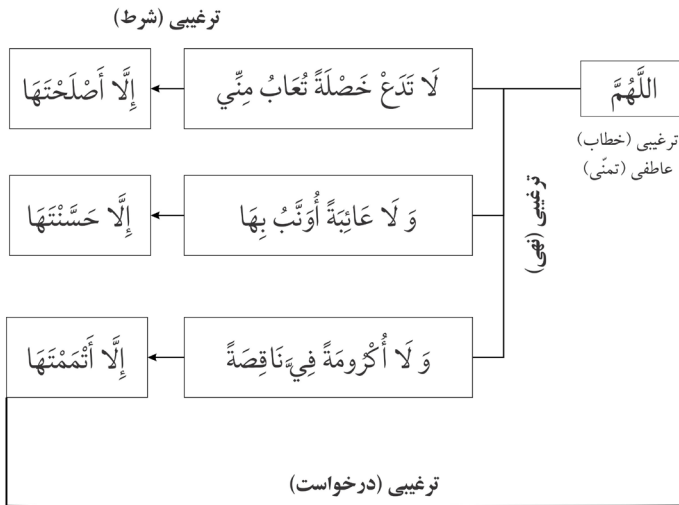
گاهی کنش‌های ترغیبی با کنش ترغیبی دیگری از نوع شرط و استثنا همراه می‌شوند. این شرط و استثنا به ترسیم فضای مطلوب کمک می‌کنند. گوینده یک موقعیت را طلب می‌کند؛ اما از آن میان، شرایطی را استثنا می‌کند که نامطلوب است و یا شرط می‌گذارد که برای رسیدن به خواسته‌ی خود، باید زمینه‌ای فراهم شود؛ برای مثال، امام سجاد<sup>(ع)</sup> بالا رفتن درجه‌ی خود در میان مردم را از خداوند درخواست می‌کند، به شرط اینکه به همان اندازه، نفسش را در نزد خود حضرت، در رتبه‌ی پایین قرار دهد: «وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا». انسان مؤمن باید از نفس خویش مراقبت کند و همیشه به آن ظنین باشد: «أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُصْبِحُ وَ لَا يُمْسِي إِلَّا وَ نَفْسُهُ ظَنُّونَ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۱)



نمودار شماره ۷. ترکیب کنش گفتاری ترغیبی امر و نهی و شرط در فرازی از دعای مکارم الاخلاق.

همچنین در این پاره‌گفتارها، برای ترسیم درخواست مطرح‌شده از کنش اظهاری تقابل استفاده شده است. این امر با کاربرد واژه‌های «تَرْفَعْنِي» در برابر «حَطَطْتَنِي» و نیز «عِزًّا ظَاهِرًا» در برابر «ذَلَّةً بَاطِنَةً» صورت گرفته است.

کنش گفتاری که با شرط همراه می‌شود، در واقع دو موقعیت را ترسیم می‌کند که تحقق موقعیت مطلوب، به شرط تحقق موقعیت دیگری است؛ برای مثال، در فراز دیگری از دعا، امام سجاد<sup>(ع)</sup> بیان می‌کند که خصلت قابل سرزنشی در من وامگذار، مگر اینکه آن را اصلاح فرمایم و...



نمودار شماره ۸. ترکیب کنش گفتاری ترغیبی امر و نهی و شرط در فرازی از دعای مکارم الاخلاق.

مجموع کنش‌های ترغیبی نهی و شرط در این فراز از دعا، بیان‌کننده‌ی همان کنش ترغیبی درخواست است. مجموع این کنش‌های گفتاری شرایط مطلوب را ترسیم می‌کند.

#### ۴-۵- کنش گفتاری ترغیبی و کنش گفتاری عاطفی

در بعضی از فرازها، کنش ترغیبی امری با پاره‌گفتاری ترکیب می‌شود که به یکی از صفات و ویژگی‌های خداوند اشاره دارد و بدین سبب، با تحمید و تمجید خداوندی که خطاب واقع شده است، زمینه‌ی بیان درخواست فراهم می‌گردد.

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره‌گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَفُرُّ بِطُفِكَ نَيْتِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ صَحَّحْ مِمَّا عِنْدَكَ يَفِينِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید) اظهاری (تقابل)	وَ اسْتَضَلِّحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) اظهاری (تقید) عاطفی (سلام دادن)	صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ ادْرَأْ عَنِّي بِطُفِكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ أَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ أَظْلِمْنِي فِي ذَرَاكَ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ جَلَّلْنِي رِضَاكَ
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ

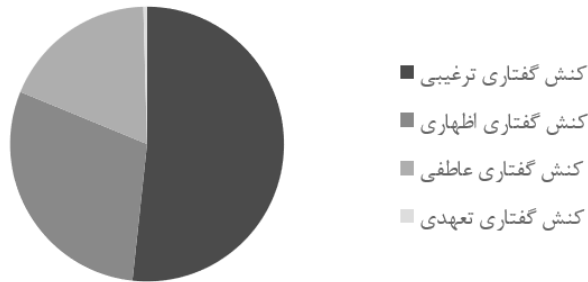
بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	فَأَطِئْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ أَجْرِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَزْهَبُ
—	ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	اللَّهُمَّ
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ حَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر) عاطفی (تمجید)	وَ سَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي
ترغیبی (درخواست)	ترغیبی (امر)	وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أحوَالِي عَمَلِي

#### جدول شماره ۷. ترکیب کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی در بعضی از پاره‌گفتارهای دعای مکارم‌الاخلاق.

در اسلوب دعا، بهره‌گیری از کنش گفتاری عاطفی بیان‌کننده‌ی احساس نیاز و وابستگی گوینده به مخاطب کنش‌هاست. واژه‌ی «دعا» و «دعوت» به معنای «توجیه نظر المدعو نحو الداعی» است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱)؛ پس دعاکننده سعی دارد نظر دعاشده را به‌سوی خود جلب کند؛ از این‌رو، گوینده در این فرازها درخواست‌های خود را با واژگانی مانند لطف، کرم، قدرت، نعمت، عفو، عزت و... همراه می‌کند تا زمینه‌ی لازم را برای بیان درخواست و جلب‌توجه فراهم نماید. البته این امر به معنای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب نیست؛ زیرا مخاطب در اینجا «الله» است که متأثر نمی‌شود. «در کنش گفتاری عاطفی، گوینده با بیان احساس، کلمات را با دنیای احساس خویش هماهنگ می‌سازد و گوینده احساس موقعیت می‌کند» (یول، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

#### ۶. تحلیل کاربرد کنش‌های گفتاری در اسلوب دعای مکارم‌الاخلاق

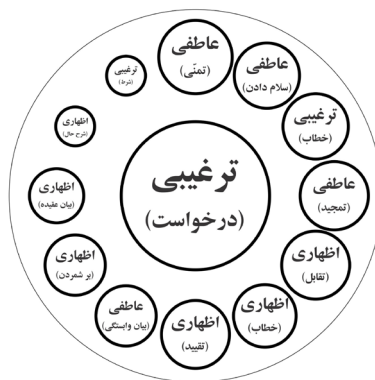
از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه‌ی جان سرل، در دعای مکارم‌الاخلاق می‌توان کنش‌های گفتاری ترغیبی، اظهاری، عاطفی را به‌دفعات مشاهده کرد. کنش گفتاری تعهدی، تنها در دو پاره‌گفتار به‌کاررفته است؛ اما نمودی از کنش گفتاری اعلامی مشاهده نشد. در کنش گفتاری اعلامی، گوینده قصد ایجاد شرایط تازه‌ای را برای مخاطب دارد، حال آنکه در سبک دعا، این گوینده است که برای خود شرایط تازه‌ای را از مخاطب طلب می‌کند.



نمودار شماره ۹. درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم به‌کاررفته در دعای مکارم‌الاخلاق.

در دعای مکارم‌الاخلاق، بیشترین حجم کنش‌های گفتاری را کنش‌های گفتاری ترغیبی تشکیل می‌دهند که در قالب امر و نهی هستند. این کنش‌های گفتاری در لایه‌ی مستقیم به‌صورت امر و یا نهی، مخاطب گفته‌ها را خطاب قرار می‌دهد؛ اما با توجه به بافت برون زبانی و نسبت الله به بندگان، این کنش‌های ترغیبی در لایه‌ی غیرمستقیم همان بیان تقاضا و درخواست است؛ پس اسلوب اولیه و اصلی دعا، کنش گفتاری ترغیبی است. گوینده در این کنش، مخاطب و شنونده را برای انجام کاری ترغیب می‌کند و موقعیت خویش را با کنشی تطبیق می‌دهد که شامل عمل آتی شنونده می‌شود. این موقعیت، همان وضع مطلوبی است که گوینده قصد دارد تا در پس کنش‌های ترغیبی به آن دست یابد. در واقع، این امر همان ساختار اصلی در دعاست.

در دعای مکارم‌الاخلاق دو وضعیت ترسیم می‌شود: یکی وضع موجود است که عموماً وضع نامطلوبی است و نشانه‌هایی از صفات اخلاقی ناپسند و یا محرومیت‌ها و... را با خود همراه دارد؛ دیگری وضع مطلوب است که دربردارنده‌ی فضایل اخلاقی و رسیدن به مراتب کمال اخلاقی و توحیدی است. در این دعا از ترکیب کنش‌های ترغیبی، اظهاری و عاطفی، فضا سازی لازم انجام شده و کنش‌های گفتاری برای نیل به وضعیت مطلوب بیان می‌شوند.



نمودار شماره ۱۰. کنش‌های گفتاری پربسامد در اسلوب دعای مکارم‌الاخلاق.

بسامد و تکرار، یکی از نکات موردتوجه در اسلوب دعای مکارم‌الاخلاق است؛ زیرا بخشی از کنش‌گفتاری به‌واسطه‌ی تکرار انجام‌شده است. تکرار پاره‌گفتار «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»، «اللَّهُمَّ» و بعضی از مضامین اخلاقی و تربیتی، منطبق بر برخی از انواع کنش‌های گفتاری هستند. ساختار آوایی عامل دیگری است که به فضاسازی و ایجاد موقعیت دعا و نیاز کمک می‌کند که در متن حاضر قابل دریافت است. نظم و آهنگ سخن امام سجاد<sup>(ع)</sup> در دعای مکارم‌الاخلاق مشهود است و خود این امر از عوامل درون‌زبانی است که بر تأثیر گفته می‌افزاید و در فضاسازی مؤثر می‌افتد. جملات کوتاه با ضربی یکنواخت ساختار متن را شکل می‌دهند. این پاره‌گفتارهای سجع‌گونه و موزون، علاوه بر ارزش ادبی، به ترسیم فضای مدنظر کمک می‌کنند تا بافت درون‌زبانی، گوینده را به بیان مقصود خود نزدیک‌تر نماید.

به‌طورکلی در دعای مکارم‌الاخلاق، هرکدام از کنش‌های گفتاری با کاربرد و هدف مشخصی در دعا استفاده‌شده است تا از تجمیع آنها، مقصود گوینده حاصل شود. این امر شامل گزارشی از وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب و بیان درخواست‌ها است. در جدول ۸ می‌توانید کاربرد کنش‌های گفتاری در شکل‌دهی به اسلوب دعای مکارم‌الاخلاق را مشاهده نمایید.

کنش گفتاری	کاربرد	مثال
ترغیبی (امر و نهی)	بیان درخواست‌ها برای نیل به وضعیت مطلوب	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ بَلِّغْ يَا مَنَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ ...
عاطفی (تمجید)	بسترسازی عاطفی برای بیان درخواست‌ها	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ ادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ وَ أَصْلِحْ لِي بَكْرَمِكَ ...
ترغیبی (خطاب) عاطفی (تمنی)	تعیین کردن مخاطب گفته‌ها و ایجاد فضای امیدوارانه	اللَّهُمَّ
عاطفی (سلام دادن)	زمینه‌سازی برای درخواست‌های بعدی	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اظهاری (برشمردن)	برشمردن درخواست‌ها برای ترسیم وضعیت مطلوب	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ حَلِّبْنِي بِحَلَبَةِ الصَّالِحِينَ وَ أَلْبِسْنِي زِيَّةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسِطِ الْعَدْلِ وَ كَطِّمِ الْعَيْظَ وَ إِطْفِئِ النَّارَ ...
اظهاری (تقابل)	ترسیم وضعیت مطلوب در برابر وضعیت نامطلوب	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ ...
عاطفی (بیان وابستگی)	فضاسازی عاطفی و ابراز نیاز	اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتَ وَ أَنْتَ مُنْتَجَعِي إِنْ حُرْمْتُ وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ ...
اظهاری (شرح حال)	ترسیم وضع موجود	اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ وَ إِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ اسْتَشَفْتُ وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ ...
اظهاری (بیان عقیده)	تبیین نسبت خود و خداوند	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ ...

کنش گفتاری	کاربرد	مثال
اظهاری (تعلیل)	بیان علت برخی از درخواست‌ها	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اكْفِنِي مَوْتَةَ الْاِكْتِسَابِ وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ فَلَا اَسْتَعْلَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ ...
ترغیبی (شرط)	بیان استننا در درخواست‌ها	اللَّهُمَّ لَا تَدَعُ خَصْلَةَ تَعَابُ مِنِّي إِلَّا اَصْلَحْتَهَا وَلَا عَائِيَةً أَوْتُبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا ...
تعهدی (قول دادن)	پذیرش تعهد در قبال درخواست‌های مکرر	فَإِنِّي لَا اَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا وَلَا اَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

جدول شماره ۸. کاربرد کنش‌های گفتاری در شکل‌دهی به اسلوب دعای مکارم‌الاخلاق.

### نتیجه‌گیری

۱. در ساختار دعای مکارم‌الاخلاق، به‌عنوان نمونه‌ای از ادعیه‌ی اخلاقی و تربیتی، از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه‌ی جان سرل، کنش‌های گفتاری ترغیبی، اظهاری، عاطفی، بسامد بیشتری دارند و نمودی از کنش اعلامی در دعا مشاهده نمی‌شود. وجود نداشتن کنش اعلامی در این دعا، متناسب با بافت موقعیت است که گوینده، ضمن تبیین فضائل اخلاقی، شرایط تازه‌ای را به‌منظور تعالی روحی و معنوی در قالب دعا از مخاطب طلب می‌کند.

۲. هرکدام از کنش‌های گفتاری ترغیبی، اظهاری، عاطفی و تعهدی در ساختار دعا، هدف مشخص و کاربرد معینی دارند که مجموع آنها به ترسیم وضعیت مطلوب می‌انجامد. در این ساختار، کنش ترغیبی برای التزام به فضائل اخلاقی و تعالی تربیتی انسان است، ساختاری که در آن اطاعت الهی، مقدمه‌ی رشد و تکامل اخلاقی انسان است.

۳. ساختار کنش‌های گفتاری در دعای مکارم‌الاخلاق، شامل گزارشی از وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب و بیان درخواست‌ها است، به‌نحوی که ابعاد تربیتی و اخلاقی آن به تربیت فردی منحصر نمی‌شود، بلکه با جامعیتی بدیع، ابعاد کلانی چون اخلاق اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد.

۴. کنش کلی گفتار در دعای مکارم‌الاخلاق، کنش ترغیبی است که در فرازهایی با کنش‌های عاطفی و یا اظهاری ترکیب شده است و به‌مثابه‌ی گویی مبتنی بر کرامت‌بخشی به انسان در فرایند تربیت فردی و اجتماعی انسان کاربرد دارد. این کرامت‌بخشی که مبنای تربیت اخلاقی در مکتب اسلام است در بافت کلی دعا و پاره‌گفتارهای گوناگون آن مشهود است.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ شریف الرضی، محمد بن حسن؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- صحیفه سجادیه؛ علی بن الحسین؛ قم: الهادی، ۱۳۷۶ ش.
- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ تهران: المکتبه الاسلامیه، بی تا.
- آقا گل زاده، فردوس؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- پایا، علی؛ فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم اندازها؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۳ ش.
- تفتازانی، سعدالدین؛ شرح المختصر؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و دررالکلم؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- چپمن، شیوان؛ از فلسفه به زبان شناسی؛ ترجمه ی حسین صافی؛ تهران: گام نو، ۱۳۸۴ ش.
- حسینی، محمد ضیاء؛ حسن پور، خسرو؛ سخن کاوی: گفتمان شناسی (انتقادی) تجزیه و تحلیل کلام؛ تهران: رهنما، ۱۳۹۱ ش.
- حسینی، محمد؛ رادمرد، عبدالله؛ «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار: مقایسه فراوانی انواع کنش های گفتار در سوره های مگى و مدنی قرآن کریم»؛ جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، ۱۳۹۴ ش.
- خامنه ای، علی؛ انسان ۲۵۰ ساله؛ تنظیم مرکز صها، چاپ پنجاه و دوم، قم: ایمان جهادی، ۱۳۹۴ ش.
- سرل، جان راجرز؛ افعال گفتاری- جستاری در فلسفه زبان؛ ترجمه ی محمد علی عبداللهی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- صفوی، کورش؛ درآمدی بر معناشناسی؛ تهران: سوره مهر (پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی)، ۱۳۸۷ ش.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ چاپ سی و پنجم، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
- کوک، گای؛ زبان شناسی کاربردی؛ ترجمه ی مصطفی حسرتی، فریبا غضنفری و عامر قیطوری؛ کرمانشاه: دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۸ ش.
- گنجعلی، عباس و دیگران؛ «فراهنجاری در صحیفه سجادیه؛ برجسته سازی در سطح آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی»؛ پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
- مکاریک، ایرنا ریما؛ دانشنامه نظریه های ادبی معاصر؛ ترجمه ی مهران مهاجر و محمد نبوی؛ تهران: آگه، ۱۳۸۴ ش.
- منذر، حکیم؛ پیشوایان هدایت، زین العابدین حضرت امام سجاد علیه السلام؛ با همکاری و سام بغدادی؛ ترجمه ی کاظم حاتمى طبری؛ ج ۶، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ش.

- یول، جورج؛ کاربردشناسی زبان؛ ترجمه‌ی محمد عموزاده و منوچهر توانگر؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۷ ش.
- Botha, J.E (1991). Speech act theory and new testament exegesis, HTS, Vol 47, No 2.
- Buss, M. J (1988). Potential and actual interactions between speech act theory and Biblical studies, Semeia, (Italy), No 41.
- Crystal, d (2003). A Dictionary of Linguistics & Phonetics, Oxford: Blackwell.
- Searle, J.R (1969). Speech Acts: an Essay in the philosophy of Language, Cambridge: Cambridge University Press.
- Huang, Y (2006) Speech Acts, In Brown, K.Y A. Barber & R.J. Stainton (eds.) Concise Encyclopedia of Language and Linguistics. Oxford: Elsevier Ltd.
- artinez-Flor, A (2005) A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT. Revista Alicantina de Estudios Ingleses. Alicante (Spain), No 18, pp 167 -187.
- Yule, G (1996) Pragmatics, Oxford university press, New York.

